



گنجشک و جبرئیل

■ محمدرضا تقی دخت رهقی

اشاره:

کمرتر کسی می‌توانست
پیش‌بینی کند که کتاب
کم‌حجم (94 ص) و
ارزان‌قیمتی که در تابستان
سال 1371 روانه بازار
کتاب شد، به زودی
جایگاهی جدی در عرصه
شعر نو مذهبی را به خود
اختصاص دهد و به عنوان
اثری تأثیرگذار بر شعر
انقلاب مطرح شود

وقتی در تابستان سال 1371، نخستین چاپ کتاب «گنجشک و جبرئیل» منتشر شد، کمرتر کسی می‌توانست پیش‌بینی کند که این کتاب کم‌حجم و ارزان‌قیمت، جای خالی یکی از آثار مورد نیاز شعر نو فارسی و شعر مذهبی را پر خواهد کرد و به عنوان راهبردی جدی در عرصه ادبیات آیینی مطرح خواهد شد.

صبح‌گاه یکشنبه نهم فروردین سال هشتاد و سه، دکتر سیدحسین حسینی- شاعر «گنجشک و جبرئیل» در بیمارستان بوعلی تهران درگذشت و از وی که پس از نشر «گنجشک و جبرئیل» بیشتر به کار تدریس و تحقیق و ترجمه مشغول بود، چند اثر دیگر نیز باقی ماند که از جمله می‌توان به «همصدا با حلق اسماعیل»، «بیدل، سپهری و نگاهی به خویش» و ... اشاره کرد.

اما مهم‌ترین اثر منتشره این شاعر، محقق و مترجم 48 ساله، مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» است که بی‌اغراق یکی از مطرح‌ترین و بهترین آثار منتشرشده در زمینه ادبیات آیینی است.

نوشته حاضر، یادداشتی دیرهنگام بر کار این شاعر فقید، از دریچه کتاب ذکر شده است.

مقدمه و درآمد

«گنجشک و جبرئیل» جدی‌ترین مجموعه «شعر نو مذهبی» است که تاکنون سروده شده است. در این سخن، لختی درنگ می‌کنیم. همه آنها که در مرور کارنامه شعر نو فارسی، در کنار همه جریان‌ها، عنایتی نیز به موضوع مذهب و متعلقات آن در شعر نو داشته‌اند، بی‌تردید بر این نکته اتفاق نظر خواهند داشت که وضع «شعر نو مذهبی»، یا عناوین مشابه مثل «شعر نو دینی»، تا روزگار ما، آن اندازه بی‌سامان بوده است که از ذکر عنوانی جداگانه برای آن، در کنار سایر عناوین و جریان‌ها شعر نو، پرهیز شود.

مرور اجمالی نزدیک به یک‌صد سال تاریخ شعر نو فارسی، به روشنی گواهی می‌دهد که سهم مذهب (در بعد اثباتی) در این تاریخ و انعکاس آن در این‌گونه شعری، بسیار اندک و کم‌مایه است و اگر هم در این یک‌صد سال حرکتی صورت گرفته، یا از اندازه حد و شأن مذهب و متعلقات آن پایین‌تر بوده است و یا آن‌قدر کم‌سو و پراکنده بوده است که مجال ظهور و بروز جدی نیافته است.

به این موضوع، خواسته یا ناخواسته باید از دو وجه نگریست: نخست آنکه شعر نو، اساساً پدیده‌ای است که در بنیان خود، متأثر از تفکر غربی است و شاعران، سرآمدان و ادامه‌دهندگان این جریان در بعد اصلی و جریان مبنایی آن نیز، بیشتر روشنفکران بوده‌اند تا شاعرانی که تحت تأثیر مستقیم سنتها و علقه‌های دینی و مذهبی باشند و علی‌القاعده توقع پرداختن به مقوله مذهب و ریختن محتوای دینی و مذهبی (و حتی داشتن سهمی از تعهد دیندارانه) در شعر آنها، توقع موجهی نیست؛ دوم آنکه جنجالها، منازعات و رویه‌رو به رشد شعر نو و در اصل صیوروت تکمیلی این جریان تازه‌بنیاد، اجازه عبور از تکمیل اصل جریان به نفع تشکیل جریانهای فرعی را به شاعران آن نداد و بدین‌سان، موضوع «شعر نو مذهبی» تا پیش از انقلاب اسلامی به عنوان بخشی یا جریانی از شعر نو، مورد تأمل قرار نگرفت و به آن پرداخته نشد.

پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر بنیانهای ایدئولوژیک حاکم بر تفکر کلی جامعه و اثر آن بر حوزه هنر و ادبیات، اگر چه باعث شد تا اندازه‌ای از سرعت جریان پر شتاب شعر نو کاسته شود و قالبهای سنتی شعری نیز در کنار جریان دمنده شعر نو مجدداً عرصه ظهور یابند، اما در وجه

ایدئولوژی و اعتقاد، باعث بازگشت شاعران و هنرمندان به مقولات دینی و مذهبی شد. بازخورد تفکر برخاسته از دین و موضوعات و متعلقات آن، در دوران پس از انقلاب، اگر چه باز هم در شعر سنتی بیشتر و پرمایه‌تر بود، اما شعرهای نو مذهبی موفق و قابل تأمل و توجهی نیز محصول تغییر ایدئولوژیکی بنیانهای فکری جامعه بود که از جمله می‌توان به شعر معروف «خط خون» علی موسوی گرمارودی اشاره کرد؛ یا برخی شعرهای خانم دکتر صفارزاده با بن‌مایه‌های انقلابی - دینی.

در مجموع، آنچه با رخداد انقلاب اسلامی ایران در سال 57 پیوستگی خاص داشت، ورود مجدد مفاهیم دینی و ارزشی (از منظر دین) به حوزه شعر بود و این فضای مهبای فکری، شاعران نوسرا را نیز تحت تأثیر قرار داد و شعرهای پراکنده، اما نسبتاً موفق در این زمینه بر جای نهاد.

يك اتفاق تازه و مهم در ادبیات آیینی و شعر انقلاب

کمتر کسی می‌توانست پیش‌بینی کند که کتاب کم‌حجم (94 ص) و ارزان‌قیمتی که در تابستان سال 1371 روانه بازار کتاب شد، به زودی جایگاهی جدی در عرصه شعر نو مذهبی را به خود اختصاص دهد و به عنوان اثری تأثیرگذار بر شعر انقلاب مطرح شود. کتابی سامان‌یافته از 30 قطعه شعر نو و سپید که شاعر، تمامی آنها را در سالهای 63 و 64 سروده بود و علی‌القاعده بعد از مدتها تأمل و تدقیق، آنها را هفت سال بعد به گردونه نشر سپرده بود.

اما جایگاه جدی و مهم «گنجشک و جبرئیل» و شاعر آن «سیدحسن حسینی»، صرفاً محصول سرودن مجموعه‌ای از شعر مذهبی خوب نبود؛ سیدحسن حسینی با تمرکز بر يك حوزه کارنشده و تلاش و پیرایش محتوا و صورت شعر مذهبی و ریختن آن در قالبی تازه، مجموعه‌ای به دست داده بود که، آن‌گونه که پیش از این گفته شد، جای خالی آن در تاریخ شعر نو فارسی بسیار نمایان بود. «گنجشک و جبرئیل» در شعر نو، صرفاً يك مجموعه موفق نبود که شاعر آن تلاش کرده بود مضامین مذهبی را هر چه بهتر، نریه‌تر و پیراسته‌تر عرضه نماید، بلکه ارابه راهبردی جدی و اساسی در شعر انقلاب اسلامی بود.

بسیاری از مخالفان و حتی بخش مهمی از موافقان ادامه جریان شعر نو پس از انقلاب اسلامی، اعتقاد جدی داشتند که قالب شعر نو و قالبهای تابع آن (آزاد، سپید، حجم و ...) از اساس به گونه‌ای ریخته شده است که امکان پرداختن جدی به مضامین اعتقادی، مذهبی و دینی در آن وجود ندارد. این تصور وقتی جدی‌تر می‌شد و رنگ قاعده به خود می‌گرفت که «نگاه به مخاطب» شعر مذهبی نیز - که عموماً عامه بودند - واکاوی می‌شد و با وجود جریان‌های مخالفی که شعر نو داشت و تصویر غلط و البته رایجی که از شعر نو در افواه عامه مردم شهرت یافته بود، اساس پرداختن به مقولاتی از سنخ دین و اعتقاد در شعر نو زیر سؤال می‌رفت. اما انتشار کتاب «گنجشک و جبرئیل» این تصور را که کم‌کم حکم قاعده می‌یافت، مخدوش کرد و راهی تازه را در شعر نو نشان داد.

در نوشته حاضر، تلاش می‌شود به وجوه و دلایل توفیق مجموعه گنجشک و جبرئیل در جریان شعر نو مذهبی، طی سه عنوان کلی پرداخته شود؛ اگر چه نقد و تحلیل شعرهای این مجموعه، از سوی این نگارنده، پیش از این در مطبوعات منتشر شده است.

الف. گام نخست بر زمینه‌ای بی‌تعریف

پیش از این گفته شد که در جریان شعر نو و تاریخ حدود يك صدساله آن، کمتر شاعری از شاعران مطرح به صورت مستقیم به مضامین دینی و درون‌مایه‌های مذهبی در شعر عنایت داشت. شیفتگی شاعران شعر نو به مضامین روز و اوضاع سیاسی اجتماعی معاصر با تاریخ شعر نو، آن اندازه از مضامین سیاسی، چریکی، انقلابی و ... را به دامن شاعران ریخته بود که کمتر شاعر جدی‌ای می‌توان یافت که پیشینه یا برجستگی خاصی در تاریخ شعر نو داشته باشد و رویکردی نیز به مضامین مذهبی در شعر او دیده شود.

اگر این موضوع را بر کم‌اعتقادی و بی‌توجهی بسیاری شاعران شعر نو نیز بیفزاییم، خواهیم دید که مذهب و دین، به طور مستقیم و در خمیرمایه و اساس محض خود، از جمله مضامینی هستند که در تاریخ شعر نو بسیار مورد بی‌مهری و کم‌توجهی واقع شده است. از سوی دیگر، مخاطب خاص شعر نو - تحصیل‌کردگان و طبقه فرادست عامه به لحاظ فرهنگی - که عموماً از روشنفکران و یا مدافعان جنبشها و تفکرات روشنفکری بودند نیز، خواستی نسبت به این موضوع نداشتند و جایی که مخاطب‌شناسی شعر، به شاعر تکلیف نکند که مضمونی را در شعرش بیاورد، علی‌القاعده شاعر نیز در این زمینه جهدی نخواهد کرد.

اما شعر مذهبی در شاخه نو آن، پیش از انقلاب اسلامی خالی از جهشها و جرقه‌هایی نیز نبود. گفتیم کسانی نیز این جریان را البته به صورت بسیار کم‌رنگ و در سایه شعرهای آمیخته با مضامین دیگر پی گرفتند و میراثی هر چند اندک در این زمینه باقی گذاشتند. تلاشهای کسانی چون خانم دکتر صفارزاده از جمله تلاشهای درخور تقدیر در این دوران است، که به سبب خالص نبودن مضمونی و نیز عدم پرداختن صرف به این موضوع، حرکتی نبود که جریان خاصی را ایجاد کند و دیگران را به سوی خود بکشاند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر توجه به مذهب و مضامین مذهبی را به دایره هنر و ادبیات وارد کرد. انقلابی با این متد ایدئولوژیک و عقیدتی، تأثیر بسیاری بر متفکران گذاشت و البته پالایش چهره‌های ناموجه نیز، باعث يك دستي حوزه شاعران و هنرمندان بر مبنای عقیده و ایده تازه شد. پرداختن به مضامین مذهبی از جمله عاشورا و مهدویت - به خصوص مورد اول -

از همان ابتدای انقلاب مورد توجه شاعران قرار گرفت و مضامین مرتبط نیز به حوزه شعر کشانده شد؛ اما بیشتر این مضامین، به قالبهای سنتی وارد شد و از این دریچه نوظهور پس از انقلاب انعکاس یافت.

تا انتشار کتاب «گنجشک و جبرئیل»، تقریباً قدم و گام جدی‌ای در زمینه شعر نو مذهبی برداشته نشده بود و تلاشهای پراکنده کسانی چون استاد علی موسوی گرمارودی و دیگران - اگر چه بسیار تأثیرگذار بود - اما به دلیل اینکه متد و الگوی تازه‌ای را در قالب و محتوا (به صورت توأم و البته یک‌جا) ارائه نکرده بود، نتوانست به عنوان راهبردی جدی در شعر نو مذهبی معرفی شود و حکم الگو پیدا کند.

«گنجشک و جبرئیل»، از این حیث، کتابی «الگو» به‌شمار می‌رود. کتابی که شاعران آن، در اوج کار سایر شاعران در سرودن سروده‌های انقلابی و سالهای پرشور شاعران جنگ، با تأمل و مذاقه در یک حوزه دور از دسترس و بی‌تعریف، تلاش کرده است الگویی تازه را در شعر نو مذهبی ارائه دهد و راهی را در این زمینه بگشاید که قدم اول آن، کتاب خود اوست. «گنجشک و جبرئیل» گام نخست بر زمینه بی‌تعریف شعر نو مذهبی است.

ب. درهم ریختن تصور رایج

گفته شد که تصور عامه این بود که قالبهای مرتبط با شعر نو، اساساً امکان پذیرش محتوای مذهبی را ندارند و اگر هم تلاشی در این زمینه صورت بگیرد، بی‌ثمر به انجام خواهد رسید. این موضوع نیز از سه جهت اهمیت داشت: نخست این آسیب بود که به هر حال، مخاطب شعر مذهبی عامه هستند و عامه، از اساس، عنایتی به شعر نو ندارند تا بخواهند شعر نو مذهبی را بپذیرند و با آن زیست معنوی کنند.

دوم آنکه مذهب، به لحاظ محتوا قابل دستکاری و پیرایش و نزهت جدی نیست و درهم ریختن محتوا و تأویلات و تبدیلهای محتوایی، که عموماً از ذاتیات شعر نو و سپید و ... به شمار می‌رود، در مورد مضامین مذهبی امکان‌پذیر نخواهد بود و سوم آنکه وارد کردن کلمات، تعبیر و عبارات روزآمد، که مخصوص به شعر نو است، با مضامین سنتهای هزار و چند ساله دینی و مذهبی (سنتی مثل عاشورا) همخوانی ندارد و امکان ورود در این حوزه‌ها را نخواهد یافت. «گنجشک و جبرئیل» این تصور رایج را که تبدیل به قاعده نسبتاً مقبول اما نانوشته‌ای شده بود، بر هم زد. از سویی شاعر این مجموعه کوشید تا با حفظ تکنیک و آرایه‌ها و اصول بلاغی و لفظی شعر نو، مضامین مذهبی را وارد شعر نو کند و از سویی دیگر تلاش کرد قالب و صورت را در اختیار محتوا در آورده و پوشش معنوی بر قالب و اندام شعر نو بیوشاند؛ پوششی که تا روزگار نشر «گنجشک و جبرئیل» بر تن شعر نو، راست نیامده بود.

حسن حسینی این ادعا را که «حتی اگر شعر نو مذهبی هم سروده شود، تأثیرگذاری روحی نخواهد داشت و صحبت «قال» خواهد بود و اثری از «حال» و روحانیت در آن وجود نخواهد داشت»، نقض کرد و نشان داد که می‌توان با وجود حجم فراوانی از تکنیک، آرایه‌های صوری و بلاغی و ... شعر نو مذهبی‌ای به دست داد که در عین امروزی بودن، تأثیرگذاری جدی‌ای نیز داشته باشد و نه تنها عامه شعرخوان، که عامه مردم را نیز تحت تأثیر فکری و عاطفی قرار دهد.

ج. به دست دادن تصویری جدید از وقایع مذهبی

کارکردهای مذهب در شعر سنتی مذهبی ما، تا پیش از انقلاب، کارکردهای حماسی و تا حد زیادی شعارگونه بود. بیشتر در موارد متعدد گفته‌ایم که آسیب جدی شعرهای مذهبی ما، فقدان عینیت و منظر تازه در ارائه گزارش از وقایع مذهبی است. استفاده‌های صرفاً حماسی و انقلابی - حکمی از وقایع مذهبی، تقریباً در تمامی دوره‌های شعر فارسی، وجه غالب بوده است و درست به همین دلیل است که شعرهای مذهبی اندک‌شماری توانسته‌اند به دلیل نگاه دیگرگونه به موضوع مذهب، از دیوار سالها و قرن‌ها بگذرند و به روزگار ما برسند. تکرار استفاده‌های حماسی از وقایع مذهبی و اساس مذهب، آسیب جدی شعر مذهبی فارسی بوده که تا روزگار ما نیز ادامه دارد.

اما اگر پدیده فوق به درستی تحلیل شود، به این نتیجه منتهی خواهد شد که شعرهایی با مشخصات فوق، درصدد القای پیامی حماسی یا حرفی ظاهری بوده‌اند و در بیشتر مواقع، صرفاً انگیزش عاطفی و هیجانی هدف آنها بوده است و درست به همین دلیل، نتوانسته‌اند جریان‌ی ایجادکننده یا سبک و متد خاصی شمرده شوند.

«گنجشک و جبرئیل» اما تصویری جدید از وقایع خاص مذهبی را، در بافت کلامی تازه‌ای به ما ارائه می‌دهد. بیان سیدحسن حسینی در این کتاب، بیانی تکراری و کلیشه‌ای نیست و فارغ از همه چیز، در کار شرح و وصف عینی وقایع در هر شعر، البته بیشتر با تمرکز بر شخصیت یا واقعه‌ای خاص است.

نگاه کلی مجموعه، نیم‌نگاهی به واقعه عاشورا است و در کنار آن، در چند شعر محدود، به برخی موضوعات مذهبی دیگر نیز از جمله کشته شدن «دیباج اصف»، شخصیت امام خمینی(ره) نیز اشاره شده است و جز یک شعر (شکار و مردار)، مجموعه واقعه یا شخصیت خاصی را به تماشا و توصیف نشسته و تلاش کرده است پنجره‌ای جدید را به روی آن بگشاید و تصویری تازه از آن ارائه دهد.

به نمونه‌هایی از این تصاویر نگاهی می‌اندازیم:

وصف حضرت ابوالفضل در شعر «راز رشید»:

پولاد/ تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد / و ساعتی بعد / در باران متواتر بریده

بریده / افشا شدی/ و باد / تو را با مشام خیمه‌گاه / در میان نهاد / و انتظار / در بهت کودکانه حرم / طولانی شد ...

می‌بینیم که در این شعر قضیه سقاییت حضرت ابوالفضل و آب آوردن و شهادت ایشان و انتظار بی‌نتیجه کودکان حرم، چه اندازه غیر مستقیم و تنها با اشاره به کلمه «فرات» شرح داده شده و علاوه بر آن، زیبایی ظاهر کلام و معنا تا حدی است که جریان «آب را تا لب بالا آوردن و نخوردن» توسط حضرت ابوالفضل وجهی دیگر یافته و خود آن حضرت، در تمثیلی، رازی دانسته شده است که تنها با رفتن بر لب فرات و آب دیدن و به حکم غیرت نوشیدن آن، افشا شده است. در واقع، شرح این قضیه که غیرت و وفاداری حضرت تا چه اندازه بوده است.

وصف شهادت حضرت علی اصغر در شعر «منطق سیال»:
فلسفه نمی‌بافم / سخن از گلوئی تردی است / که صادقانه / بر فراز منبر بر آمد / و بلاغت را به عرش رسانید / به روایتی صادق و صمیمی؛ / استثنای بزرگ در تاریخ / سیلانی بی‌سقوط / فریادی متصاعد / که با سه شعله زبانه کشید ...

در این شعر نیز کلمات «ترد» در وصف گلو و «سه شعله» در انتهای عبارت، اشاره به واقعه شهادت حضرت علی اصغر (ع) دارند و بیان مشیر دیگری دیده نمی‌شود؛ اما به زیبایی تمام، واقعه پاشیدن خون گلوئی حضرت علی اصغر به آسمان و بازنگشتن آن، در ترکیب «سیلان بی سقوط» و «فریاد متصاعد»، آن هم به عنوان «استثنای بزرگ در تاریخ» که «بلاغت را به عرش رسانیده است»، تصویر شده و در واقع به نوعی می‌تواند اوج واقعه عاشورا و سوگنامه آل محمد در این روز باشد.

هم چنین وصف حضرت زینب و عظمت کار ایشان در شعر «روایت پانزدهم»:
پلک صبوری می‌گشایی / و چشم حماسه‌ها / روشن می‌شود / کدام سرانگشت پنهانی / زخمه به تار صوتی تو می‌زند / که آهنگ خشم صورت / عیش مغروران را منغص می‌کند / می‌دانیم / تو نایب آن حنجره مشیکی / که به تاراج زوبین رفت / و دلت / مهمان سرای داغهای رشید است / ای زن! / قرآن بخوان / تا مردانگی بماند / قرآن بخوان / به نیابت کل آن سی جزء / که با سرانگشت نیزه / ورق خورد...

می‌بینیم که پیام‌رسانی حضرت زینب و اعتراض و خطبه ایشان، کاری عرشی دانسته شده و چیزی که منشأ آن يك «سرانگشت پنهانی» است و در واقع حضرت زینب به نیابت امام (ع)، پیام شهادت آن حضرت را به تاریخ می‌رساند و با کلام خود، مردانگی و آزادگی را جاوید می‌سازد.

این نحو بیان، که با وجود فنی بودن، زیبا و روان است، در عین واجد بودن این هر دو مشخصه، تصاویر جدید و بدیعی نیز از عاشورا ارائه می‌دهد که در ساخت شعرهای سنتی گذشته نیامده است و مخصوص به گونه و نوع بیانی شعر نو است.

در درآمد این نوشتار گفتیم که «گنجشک و جبرئیل» جدی‌ترین مجموعه شعر نو مذهبی است که تاکنون سروده شده است. با توجه به آنچه گذشت، و مرور مجموعه ذکر شده و شعرهای سروده شده مذهبی از انقلاب اسلامی، می‌توان ادعا کرد که «گنجشک و جبرئیل» خلاء راهبردی شعر نو مذهبی را در ابتدای راه پر کرد و علاوه بر اینکه راهبردی تازه را در شعر نو مذهبی معرفی نمود، در شعر انقلاب اسلامی نیز بابتی تازه را گشود که دامنه تأثیر آن نه تنها بر شعر نو، که بر شعر سنتی نیز در گونه شعر مذهبی دامن گسترد و افق تازه‌ای را در شعر مذهبی گشود که تا امروز به عنوان راهی جدی و قابل تأمل، فرا روی شاعران و راهروان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی